

## صلح در میان جنگ: چالش افکار عمومی عربستان سعودی در عادی سازی با اسرائیل



شناسه خبر: ۱۳۹۹۱۹ یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳ - ۰۴:۵۱

در جامعه عربستان سعودی امکان عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را در سایه جنگ غزه چگونه می بیند؟

سرویس جهان مشرق- ایلان زلایت، کارشناس شاغل در برنامه کشورهای خلیج فارس در موسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی است. تحقیقات او بر سیاست و جامعه معاصر در کشورهای عربی خلیج فارس با تأکید بر اسلام سیاسی، تشیع، هویت ها و حافظه جمعی متمرکز است.

این کارشناس عبری زبان در گزارشی پژوهشی، به بررسی موضوع چالش های پیش روی عربستان سعودی برای عادی سازی با رژیم صهیونیستی در داخل جامعه عربستان میپردازد. به عقیده این کارشناس، علی رغم تلاش ولیعهد سعودی، افکار عمومی عربستان همچنان با مسئله عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، زاویه دارد و تحقق این امر آنطور که تصور میشود، ساده نیست. در قسمت پایین ترجمه مشروح این گزارش منتشر شده است.

پایگاه خبری - تحلیلی مشرق صرفاً جهت اطلاع نخبگان و تصمیم‌گیران عرصه‌ی سیاسی کشور از محتوای گزارش مذکور این متن را منتشر می‌کند و دیدگاه‌ها، ادعاها و القائات این گزارش مورد تأیید مشرق نیست

افکار عمومی عربستان سعودی در رابطه با عادی سازی روابط با اسرائیل چگونه است؟

در آستانه حمله هفتم اکتبر حماس و جنگ متعاقب آن در غزه، اسرائیل و عربستان سعودی بیش از هر زمان دیگری به توافق تاریخی عادی سازی نزدیک شده بودند. تنها دو هفته قبل از جنگ، محمد بن سلمان، حاکم واقعی عربستان سعودی، در مصاحبه‌ای با رسانه‌های آمریکایی تأکید کرد که چشم انداز چنین توافقی "برای اولین بار جدی" به نظر می‌رسد و به مذاکرات بین ایالات متحده آمریکا و پادشاهی عربستان با هدف یک توافق جامع که از جمله شامل عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان است، اشاره کرد.

مجموعه‌ای از نظرسنجی‌های انجام شده توسط موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک از زمان توافقات ابراهیمی در سال ۲۰۲۰، نگاهی نادر به نگرش جامعه عربستان در قبال عادی سازی با اسرائیل ارائه می‌دهد. قبل از جنگ کنونی غزه، تقریباً ۴۰ درصد از سعودی‌ها از روابط اقتصادی با اسرائیل در صورتی که برای اقتصاد محلی سودمند باشد، حمایت می‌کردند. این رقم، اگرچه در اقلیت است، اما نشان‌دهنده گشودگی استثنایی برای برقراری روابط عملی با اسرائیل است.



با این حال، احساسات در طول جنگ غزه به طرز چشمگیری تغییر کرد. در نوامبر تا دسامبر ۲۰۲۳، حمایت از هر شکلی از روابط با اسرائیل به ۲۰ درصد کاهش یافت و اکثریت قریب به اتفاق سعودی ها (۹۶ درصد) از قطع فوری روابط بین کشورهای عربی با اسرائیل در واکنش به اقدامات این رژیم در غزه حمایت کردند.

اگرچه زمان برگزاری این نظرسنجی ها ممکن است این واکنش را شدید تر کند، اما باید توجه داشت که حتی قبل از جنگ، ۸۷ درصد از سعودی ها معتقد بودند که اسرائیل در نهایت می تواند شکست بخورد و تنها پنج درصد موافق بودند که باید به یهودیان جهان احترام گذاشته شود و روابط با آنها باید بهبود یابد. این نظرسنجی ها همچنین نشان دهنده اختلاف بین منافع دولت سعودی و منافع مردم خود در داشتن روابط با اسرائیل است

تنها ۲۰ درصد از سعودی ها از همکاری دولت خود با اسرائیل علیه ایران حمایت کردند، در حالی که تنها اکثریت اندک ۶۰ درصد سعودی ها حتی تهران را به عنوان یک رقیب پس از آشتی عربستان و ایران در مارس ۲۰۲۳ می دانستند.

جریان های مختلف سیاسی در عربستان سعودی در رابطه با عادی سازی روابط چگونه فکر میکنند؟

گروه های مخالف سعودی عادی سازی استدلال های متعددی را علیه عادی سازی با اسرائیل مطرح کرده اند. مخالفان سعودی تبعید شده در غرب که نگاه لیبرال دارند، نزدیک شدن ریاض با اسرائیل را آسیب پذیری در سیاست های محمد بن سلمان می دانند.

این گروه، تلاش‌های عادی‌سازی با اسرائیل را همراه با سایر اصلاحات بن سلمان، تلاشی پنهان برای تقویت ظرفیت رژیم سعودی برای سرکوب مخالفان و نقض حقوق بشر در پادشاهی می‌داند.

این گروه مدعی است که در پس عادی‌سازی، علاقه بن سلمان به تسلیحات و فناوری جاسوسی اسرائیل است - که علیه شهروندان سعودی درست مانند فلسطینی‌ها استفاده می‌شود - در حالی که چهره رژیم سعودی را در ایالات متحده سفید می‌کند. (اغلب به استفاده عربستان از نرم افزار جاسوسی پگاسوس ساخت اسرائیل برای نظارت بر مخالفان، از جمله جمال خاشقچی، که در سال ۲۰۱۸ به قتل رسید، و لجین الهذلول، که به دلیل فعالیت هایش در حمایت از حقوق زنان زندانی شد، اشاره می‌کند).



گفتمان اسلامگرا در عربستان سعودی نیز درگیر موضوع عادی‌سازی است. علیرغم تصویری که بن سلمان سعی در ارائه آن دارد، عربستان سعودی همچنان یک کشور با بافت اسلامی است و دیدگاه‌های اسلامی در آن جریان دارد بنابراین، این گفتمان در مساجد پادشاهی عربستان و نهادهای مختلف مذهبی از اهمیت بالایی برخوردار است.

علاوه بر این، جذبه بازیگران اسلامگرا در عربستان همیشه بزرگترین تهدید برای خاندان سلطنتی سعودی بوده است و این امر رژیم سعودی را تحت فشار قرار می‌دهد تا کنترل بیشتری بر پیام‌های ائمه و روحانیون مذهبی اعمال کنند.

شیخ احمد الغامدی که سمت‌های بلندپایه‌ای در تشکیلات مذهبی عربستان داشته است، در یک بیانیه عمومی نادر در



مورد این موضوع گفت که روحانیون سعودی در مورد نزدیک شدن به اسرائیل «دیدگاه‌هایشان متفاوت است». با این حال، وی اشاره کرد که اگر اسرائیل بر اساس طرح صلح عربی (مطابق با موضع رسمی عربستان سعودی) به خواسته‌های فلسطینی‌ها عمل کند، دیدگاه‌های مخالف مانعی برای عادی‌سازی نخواهد شد.

در سال‌های اخیر، رژیم سعودی ظاهراً گفتمان روحانیون تحت کنترل خود را تحت تأثیر قرار داده است تا یهودیان و روابط آنها با آنها را مثبت نشان دهد. به عنوان مثال، «لیگ جهانی مسلمانان»، شبکه‌ای از روحانیون تحت حمایت عربستان سعودی که به افراط‌گرایی معروف بود، در سال‌های اخیر شروع به مشارکت در ابتکارات بین‌ادیانی، از جمله، با یهودیان کرده است و رئیس آن، شیخ محمد العیسی، حتی در آغاز سال ۲۰۲۰ از آشویتس بازدید کرد.



نمونه دیگر، شنیده‌ترین خطبه‌های ائمه مسجد الحرام در مکه است. در سپتامبر ۲۰۲۰، به موازات امضای پیمان ابراهیم، امام عبدالرحمن السدیس خطبه خود را به داستان‌هایی از زندگی حضرت محمد اختصاص داد که رابطه مثبت او با یهودیان را توصیف می‌کند. او به عنوان مثال اشاره کرد که پیامبر در خیبر، برداشت محصولات زراعی را با یهودیان تقسیم کرد و یا زمانی که در بستر بیماری قرار داشت، سپر خود را نزد یک یهودی گرو گذاشت. با توجه به زمان این خطبه، این سخنان تا حد زیادی به عنوان مهر تایید اسلامی برای روابط با اسرائیل تلقی شد.

در عین حال، برخی از صداهاى دوگانه در مورد عادى سازی همچنان باقى مى مانند. در سال ۲۰۲۲، امام صالح بن حمید، طى خطبه اى در مکه، از خداوند خواست تا مسلمانان را از "یهودیان اشغالگر و دزد" حفظ کند. از نظر مذهبى، تشکیلات روحانى عربستان ممکن است از عادى سازی روابط با اسرائیل بر اساس حکم مذهبى (فتوا) شیخ عبدالعزيز بن باز، مفتى اعظم سابق عربستان سعودى در سال ۱۹۹۴ حمایت کند.

پس از معاهده اسلو، بن باز - که تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۹ به عنوان مرجع دینى برجسته پادشاهى به شمار مى رفت - با استناد به معاهده الحدیبیه در قرآن، به یک حاکم مسلمان اجازه داد تا زمانى که به نفع مسلمانان بود با یهودیان صلح کند. ، واقعه اى که در آن حضرت محمد با کفار قریش صلح کرد.

جایگاه و نفوذ بن باز، که نمادى از یک عربستانى محافظه کار مذهبى و در عین حال انعطاف پذیر سیاسى است، به این فتوا وزن قابل توجهى بخشید و پس از توافق ابراهیم در گفتمان خلیج فارس مورد استناد قرار گرفت.

در حالى که روحانیون مذهبى نزدیک به رژیم، در نهایت مطیع تصمیمات دولت سعودى در مورد عادى سازی هستند، این مورد برای وعاظ خارج از تشکیلات نزدیک به دولت سعودى صدق نمى کند. در این زمینه، شایان ذکر است که حلقه اى از روحانیون سعودى موسوم به جنبش الصحوه («بیدارى») است.

این جنبش به دلیل تلاش برای اصلاح آنچه که به عنوان سهل انگارى مذهبى خاندان سلطنتى سعودى خوانده مى شود، که به عنوان نقض حق رژیم سعودى برای نمایندگى اسلام، به ویژه در رابطه با روابط با جهان غرب بیان مى شود، محبوبیت زیادى به دست آورد.



جنبش الصحوه برای اولین بار در طول جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ برجسته شد، زمانی که روحانیون آن حکم مذهبی مفتی بن باز مبنی بر اجازه استقرار ارتش آمریکا در پادشاهی عربستان را برای محافظت از آن در برابر صدام حسین محکوم کردند و آن را تسلیم اسلام به حکومت غیر مسلمانان دانستند.

بر همین اساس، دو تن از رهبران آن، شیخ عیدالقرنی و سلمان العوده، در سال ۱۹۹۴ از فرمان ابن باز مبنی بر اجازه آشتی با اسرائیل درخواست تجدید نظر کردند. آنها معتقد بودند که شریعت اسلام به طور قاطع آشتی با یهودیان را بر سر سرزمین اسلامی فلسطین منع می کند، زیرا این فقط به خدمت یهودیان است و اسلام در نهایت بر آنها پیروز خواهد شد. از این رو، یک حاکم مسلمان مجاز به امضای چنین قراردادی نیست، چه برسد به حکومتی که متولی دو مکان مقدس اسلامی است

یکی دیگر از اعضای برجسته الصحوه، شیخ صفر الحوالی، برای اثبات نابودی قریب الوقوع اسرائیل، به کتاب مقدس، قرآن استناد کرد. بر این اساس، جنبش به شدت از ابتکار صلح عربی و حمایت ناکافی عربستان سعودی از فلسطینی ها علیه اسرائیل انتقاد کرد. با این حال، صدای انتقاد آنها در مورد گرم شدن روابط عربستان و اسرائیل در سال های اخیر شنیده نشده است. زمانی که بن سلمان در سال ۲۰۱۷ به قدرت رسید، تلاش کرد تا جنبش را کاملاً از بین ببرد و اعضای آن یا

زندانی شده اند (مانند العوده و الحوالی) یا ساکت شده و مجبور شده اند از عقایدی که قبلاً داشتند (مانند القرنی) چشم پوشی کنند.

با این وجود، نمی توان دلسوزی بزرگی را که چند سال پیش داشتند نادیده گرفت. برخلاف گروه‌هایی مانند داعش یا القاعده که دولت مدرن را در کل تضعیف می‌کنند، پیام‌های الصحوه فقط به «تثبیت» عربستان سعودی از نظر مذهبی می‌پردازد و بنابراین بیشتر مورد پذیرش مخاطبان گسترده‌تری قرار می‌گیرد.

از این رو، رویکرد اسلامی آنها در مورد اسرائیل - رد پراگماتیسم سیاسی و آزادی عمل برای حاکم به نفع یک خط سازش ناپذیر علیه آشتی با اسرائیل - احتمالاً همچنان در گفتمان داخلی در عربستان سعودی طنین انداز خواهد شد و بسیاری از سعودی‌ها را به رد عادی سازی به دلایل مذهبی سوق خواهد داد.

مانند بقیه جهان عرب و اسلام، نگاه مسئله فلسطین در مخالفت با عادی سازی با اسرائیل در عربستان سعودی محوری است. علیرغم برخی اظهارات، به ویژه پس از توافق ابراهیم، مبنی بر کمرنگ شدن این موضوع در کشورهای حوزه خلیج فارس، نظرسنجی مذکور حاکی از مرکزیت مداوم آن در میان افکار عمومی عربستان است. در حال حاضر جنگ غزه و صحنه‌های خشن که از آن پخش می‌شود، فلسطینی‌ها را به تیترا اخبار پادشاهی عربستان بازگردانده است.





برای بسیاری، عادی سازی با اسرائیل به منزله بی توجهی به فلسطینیان تلقی می شود، در حالی که امتناع از عادی سازی - علیرغم مزایای وعده داده شده آن - به عنوان ابراز همبستگی با فلسطینی ها و حمایت از مبارزات آنها تلقی می شود.

در حال حاضر نادیده گرفتن تضاد میان نزدیکی اخیر رژیم سعودی با اسرائیل و این واقعیت که همه رقبای منطقه ای آن از فلسطینی ها در جنگ جاری علیه اسرائیل از اکتبر حمایت می کنند - چه ایران و چه اخوان المسلمین (که حماس با آن در ارتباط است) یا حتی انصارالله یمن - دشوار است. بنابراین، نتایج این نظرسنجی که بیانگر تقاضای قطع روابط پادشاهی با اسرائیل به دلیل جنگ است، نشان دهنده نارضایتی مردم عربستان از موضع کشورشان در قبال مسئله فلسطین است.

ریاض با ارائه یک روایت متضاد به موضوع نزدیک شده است. پیش از جنگ، زمانی که تماس های عربستان سعودی و آمریکایی در مورد توافق سه جانبه با اسرائیل در جریان بود، یک گفتمان روشنفکرانه در ستون های روزنامه های سعودی (که به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط رژیم سعودی کنترل می شود) ظاهر شد که تمایل عربستان سعودی برای عادی سازی روابط با اسرائیل را نه به عنوان دست کشیدن از آرمان فلسطین، بلکه برعکس، به عنوان وسیله ای جایگزین و موثر برای پیگیری آن توصیف می کرد.



نویسندگان توضیح دادند که این اسرائیل و ایالات متحده هستند که از عربستان سعودی در مورد عادی سازی تقاضا می کنند، در حالی که عربستان سعودی آن را مشروط به بهبود وضعیت فلسطینی ها و توانمند ساختن آنها برای استفاده از حقوق ملی خود کرده است (که یک نسخه تعدیل شده از ابتکار صلح عربی است). از این رو، ظاهراً هیچ تناقضی بین حمایت از فلسطینی ها و حمایت از عادی سازی وجود ندارد.

در نهایت، مشخص نیست که آیا رژیم سعودی موفق شده است این تصور را در افکار عمومی داخلی خود القا کند که عادی سازی با اسرائیل به نفع فلسطینی ها کار می کند یا خیر - موضعی که کاملاً با تصور غالب در مورد این موضوع در تضاد است.

#### نتیجه گیری

عربستان سعودی کشوری است که در بحبوحه یک فرآیند عمیق تغییر تحمیل شده توسط خاندان سلطنتی از بالا به پایین است. علیرغم تغییر آشکار در گفتمان روابط با اسرائیل در داخل پادشاهی، خصومت با اسرائیل و بیزاری از ایده روابط با آن در بین عموم مردم ریشه دارد و شکاف آشکاری بین مواضع مردم و دولت ایجاد می کند. اگرچه به طور علنی بیان نشده است، اما توسعه جریان های پنهان عمیق در عربستان سعودی که نسبت به اصلاحات شتاب گرفته و سرمایه گذاری های بلندپروازانه ولیعهد نگران هستند، نباید نادیده گرفته شود.

اگر بن سلمان در درازمدت نتایجی که قول آن را داده است بدست نیاورد، در نهایت ممکن است با واکنش‌های داخلی مواجه شود که عادی‌سازی با اسرائیل را نیز به خطر بیندازد. در این صورت، استدلال‌های طرفداران فلسطین، لیبرال‌ها و مذهبی‌های علیه عادی‌سازی روابط با اسرائیل آن استفاده خواهد شد. اعتماد به نفس بن سلمان به برداشتن گامی چشمگیر مانند عادی‌سازی روابط با اسرائیل ممکن است در طول زمان افزایش یابد، به ویژه اگر او به آرامی تاج را از پدر ۸۸ ساله خود، ملک سلمان، به ارث برده و خود را به عنوان پادشاه بلامنازع معرفی کند.

خیلی زود است که بگوییم جنگ غزه یک تغییر دهنده بازی برای عادی‌سازی اسرائیل و عربستان است. همان انگیزه‌ها و موانع قبل از جنگ کماکان باقی مانده است، از جمله خواسته‌های امنیتی ریاض از ایالات متحده و امتیازاتی که از اسرائیل خواسته می‌شود به فلسطینی‌ها بدهد.



این جنگ احتمالاً «جزء فلسطینی» شروط عربستان را که اسرائیل باید به عنوان بخشی از توافق انجام دهد، پررنگ تر خواهد کرد تا همبستگی ریاض با فلسطینیان را نشان دهد - جبران موضع نسبتاً منفعلانه رژیم سعودی در قبال در جنگ و اثبات اینکه که عادی‌سازی اهرمی به نفع فلسطینی‌ها نیز خواهد بود، همانطور که از سوی عربستان قول داده شده بود.

اگر در داخل و خارج این درک شکل بگیرد که عربستان سعودی به عنوان بخشی از راه حل مورد حمایت آمریکا برای آینده غزه در شکستن بن بست دیپلماتیک بین اسرائیل و فلسطینی ها نقش داشته باشد، می تواند مشروعیت داخلی ولیعهد بن سلمان را برای حرکت به سمت توافق با اسرائیل به طور قابل توجهی تقویت کند. در هر صورت، عادی سازی یک اقدام نامطلوب در میان سعودی ها خواهد بود.

معدود شاخص های نگرش مردم عربستان، ناهماهنگی بین گفتمان اسرائیل در مورد مزایای عادی سازی، با تمرکز بر ائتلاف امنیتی و نظامی و عموم مردم عربستان که هیچ علاقه ای به چنین مشارکتی ابراز نمی کنند و حتی ممکن است آن را تسهیل کننده رفتار سرکوب گرایانه رژیم سعودی بدانند، نشان می دهد.

انتهای پیام/